



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر : یکشنبه ششم اپریل ۲۰۱۶ هـ.ل

حکایت ۲۱۸

ده بود آن نه دل که اندر وی
گاو و خر باشد و ضیاع و عقار

«سنائی»

صله شعر

ابو دلامه (زید بن جون کوفی شاعر مخضرمی که در سال ۱۶۱ یا ۱۶۰ وفات یافته است) قصیده ای در مدح ابوالعباس سفاح (مؤسس دولت عباسیان که از سال ۱۳۲ تا ۱۳۶ خلافت کرد) سروده بود که سفاح را خوش آمده باو گفت :

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

هرگه میخواهی بطلب تا برایت داده شود.

ابو دلامه گفت : من سگی برای شکار میخواهم.

سفاح امر کرد تا سگی شکاری برایش بدهند.

ابو دلامه گفت : من اگر به شکار بروم پیاده نمی توانم رفت.

سفاح فرمان داد تا اسپی نیز باو دادند .

ابو دلامه گفت :

ممکن است یکروز که من بشکار بروم این سگ چند آهو صید کند من که نمی توانم آن همه را بشانهء خود بیاورم درین باب فکری باید کرد .

سفاح شتری نیز به او بخشید .

ابو دلامه گفت : گوشت شکار را بدون نان که نمیتون خورد، نان از کجا بیاورم؟

سفاح امر کرد تا صد جریب زمین عامر و صد جریب غامر باو بدهند .

ابو دلامه پرسید. زمین عامر را میدانم که چیست زمین غامر کدام است ؟

سفاح گفت : زمین غامر زمینی ایت که خراب باشد ولی قابلیت آن را داشته باشد که آباد شود .

ابو دلامه گفت : من ازین قسم زمین صد هزار جریب در بادیه دارم، امیرالمؤمنین امر فرماید تا بجای آن ده گز زمین آباد بمن داده شود .

سفاح گفت : مانعی ندارد آن چه داده شده بگیرند و زمین را بدهند .

ابو دلامه گفت اگر اموالی را که بمن داده شده پس بگیرند زمین نا معمور خواهد ماند و من زمین معمور میخواهم .

سفاح فرمود تا آنچه خواسته بود برایش دادند .

سلسله این حکایات چالب ادامه دارد...

www.24sahat.com

www.said-afghani.org — بازگشت به صفحه اصلی

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است